خبر

مخالفت واشنگتن با عادی‌سازی روابط ترکیه و سوریه

ویدانت پاتل، معاون سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده همزمان با برداشته شدن گام‌هایی از سوی آنکارا برای ازسرگیری روابط با دمشق، موضع کشورش در قبال عادی‌سازی روابط ترکیه و دیگر کشورها با سوریه را اعلام کرد. براساس گزارش روزنامه «زمان»، معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: «هدف ایالات متحده تقویت روابط دیپلماتیک با نظام اسد نیست و ما از دیگر کشورها برای عادی‌سازی روابط با دمشق حمایت نمی‌کنیم.»

این مقام آمریکایی، همچنین از تمایل نداشتن کشورش برای لغو تحریم‌ها علیه سوریه خبر داد و خاطرنشان کرد که هیچ پیشرفتی در جهت راه‌حل سیاسی نمی‌بیند.

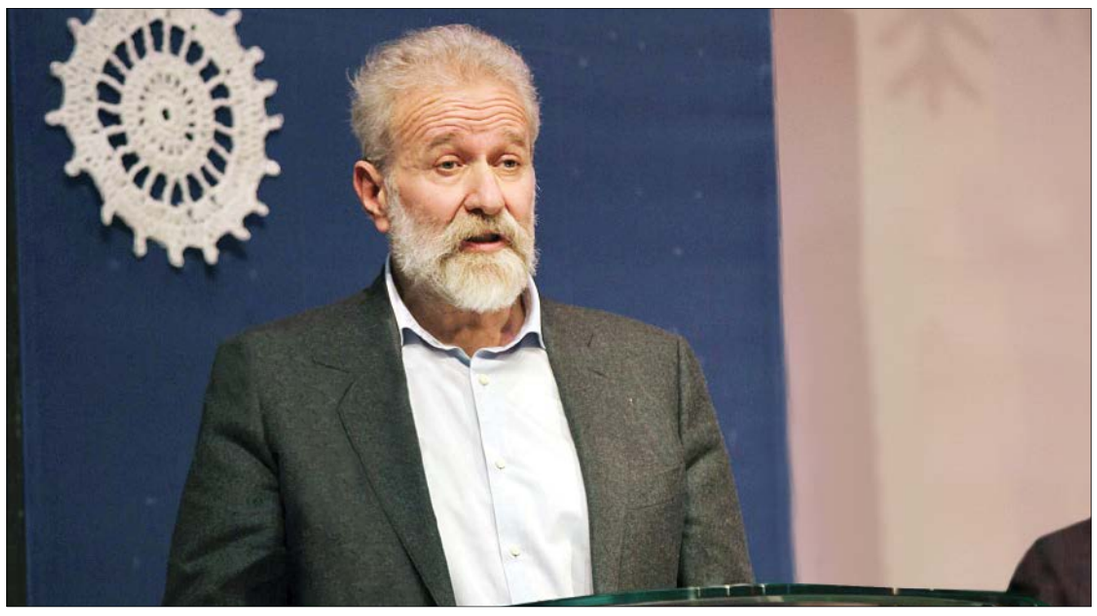
این در حالی است که رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه اعلام کرده بود که می‌خواهد سطح روابط بین کشورش و سوریه را پس از محدود شدن همکاری‌ها به ارتباطات اطلاعاتی افزایش دهد. پاتل در مورد عملیات احتمالی ترکیه در سوریه گفت: «من مجددا تاکید می‌کنم که ایالات متحده عمیقا نگران افزایش فعالیت‌های نظامی در شمال سوریه و به‌ویژه تأثیر آن بر غیرنظامیان است. ایالات متحده به حمایت از ادامه خطوط آتش‌بس موجود ادامه می‌دهد.»



گفت‌وگو

رامی‌الشاعر، تحلیلگر ارشد شبکه راشاتودی در گفت‌وگو با «جام جم»:

تروریسم بین‌المللی زاییده آمریکاست



جنگ اوکراین به منازعه‌ای فرسایشی در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. از یک سو، مقامات اوکراینی به این نتیجه رسیده‌اند که استمرار منازعه منجر به تبدیل کشورشان به یک زمین سوخته خواهد شد و از سوی دیگر، مقامات انگلیسی و آمریکایی اصرار دارند نبرد به هر نحو ممکن ادامه پیدا کند. به عبارت بهتر، واشنگتن و لندن در صدد ایجاد گره‌های کور راهبردی و مستمری در اطراف روسیه هستند. در این خصوص گفت‌وگویی با رامی‌الشاعر، تحلیلگر روسی - فلسطینی شبکه راشاتودی صورت داده‌ایم که از نظرتان می‌گذرد:

مقامات آمریکایی مدعی هستند به سبب جنگ اوکراین و منازعات جاری در این کشور، قصد دارند روسیه را به‌عنوان یک دولت حامی تروریسم معرفی کنند. نظر شما به‌عنوان یک تحلیلگر نزدیک به وزارت خارجه روسیه در این خصوص چیست؟ چه انگیزه‌ای از سوی کنگره و دولت آمریکا در این راستا وجود دارد؟

باید بگویم اعلام نام روسیه به‌عنوان دولت حامی تروریسم از سوی آمریکا به معنای عبور از نقطه‌ای بدون بازگشت است. در این صورت، شاهد بروز آسیب‌های جدی و غیرقابل پیش‌بینی در مناسبات طرفین خواهیم بود. روسیه خطوط قرمز خود را به‌صورت واضح برای طرف آمریکایی تشریح کرده است. بنابراین، بحران‌سازی‌های آمریکا در اوکراین و اقدامات واشنگتن در این عرصه، قطعا با سکوت مسکو مواجه نخواهد شد. این قاعده در قبال دیگر بازیگران (اعضای ناتو) نیز صادق است. از سوی دیگر، مقامات آمریکایی تلاش می‌کنند خود و متحدانشان مخصوصا اعضای اروپایی ناتو را مصداق جامعه جهانی بدانند. بارها گفته شده جامعه جهانی مدنظر آمریکا با جهان واقعی فرسنگ‌ها فاصله دارد. جامعه جهانی واقعی، منتقد سیاست‌های آمریکا در مناطق مختلف دنیاست.

به انتقاد جامعه جهانی و افکار عمومی دنیا نسبت به سیاست‌های بی‌ثبات کننده آمریکا اشاره کردید. این سیاست‌ها و رفتارهای مداخله‌گرایانه شامل چه مواردی است؟

باید بگویم که مصادق مداخله‌گرایی بی‌حد و حصر و خونین آمریکا در نقاط مختلف جهان امروز قابل مشاهده است. اکنون کافی‌است نیم نگاهی به حضور نیروهای آمریکایی در سوریه بیندازیم. واشنگتن نه‌تنها اجازه حکومت سوریه را در خصوص حضور در خاک آن کشور کسب نکرده، بلکه در تقابل عینی با حکومت مستقر و مردم آن کشور در خاک سوریه حضور دارد؛ به عبارتی بهتر، آمریکا به صورت غیرقانونی و به بهانه از بین بردن سازمان‌های تروریستی در خاک سوریه حضور دارد اما واقعیت برعکس است. این واشنگتن است که در زمینه‌های مختلف قاچاق سلاح به خاک سوریه را تسهیل و از گروه‌های تروریستی مانند داعش در این کشور حمایت کرده است.

جای تعجب است که آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین حامی سیاست‌های غیر انسانی اسرائیل در اراضی اشغالی، چگونه به خود اجازه می‌دهد تروریسم دولتی و بین‌المللی را تفسیر کند

ماشین نظامی آمریکا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و تسهیل انتقال انواع تسلیحات و تروریست‌ها از مناطق مختلف جهان به سوریه، با استفاده از دستکش‌های تروریستی خود در خاک سوریه، منجر به قتل و آوارگی وحشت مردم این کشور شده است.

این قاعده در عراق، افغانستان و دیگر نقاط دنیا نیز صادق است. به‌راستی در چنین شرایطی آمریکا چگونه در خصوص ارتباط دیگر کشورهای دنیا با تروریسم سخن می‌گوید؟ تروریسم بین‌المللی و دولتی، زاییده آمریکاست.

در بررسی سیاست‌های آمریکا در جنگ اوکراین، شاهد مانور ویژه بازیگران غربی در قبال نیروگاه هسته‌ای زاپروژا هستیم. نقشه راه آمریکا و بازیگران اروپایی ناتو را در این خصوص چگونه ارزیابی می‌کنید؟

واقعیت این است اکثر آنچه آمریکا با عنوان نگرانی مطرح می‌کند، جنبه واقعی ندارد و بیشتر، جزئی از پازل تاکتیکی غرب در جنگ محسوب می‌شود. حتما تاریخ به یاد دارد که مقامات آمریکایی چگونه با انداختن بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی بیش از ۲۰۰ هزار نفر را مستقیما به کام مرگ فرستادند. از سوی دیگر، سیاست‌های کلان آمریکا در استفاده از سلاح‌های ممنوعه نیز بر همگان مشخص است. در چنین شرایطی مانور تبلیغاتی و نظامی واشنگتن روی مسائلی که خود در آن متهم هستند، جای بسی تامل دارد. بخشی از این اقدامات با هدف انحراف افکار عمومی دنیا نسبت به جنایات و مداخله‌گرایی‌های آمریکا در جهان صورت می‌گیرد.

بهتر بود کنگره آمریکا زمانی که ارتش این کشور عراق، لیبی و افغانستان را به خاک و خون کشید به فکر تروریسم دولتی و مصادیق آن در جهان می‌افتاد. در طول دهه‌های اخیر، بارها رژیم اشغالگر قدس مردم بی دفاع فلسطین را به خاک و خون کشیده و آنها را از سرزمین خود بیرون رانده است. در چنین شرایطی آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین حامی سیاست‌های غیرانسانی اسرائیل در اراضی اشغالی، چگونه به خود اجازه می‌دهد تروریسم دولتی و بین‌المللی را تفسیر کند؟ این مسأله نیازی به تحلیل و تفسیر ندارد، کافی‌است مقامات آمریکایی به چهره خود بنگرند تا متوجه شوند چه بازیگری تروریست و کدام بازیگر در مقابل تروریسم ایستاده است. در خصوص مسائلی مانند تاراج منابع طبیعی در قاره آفریقا و دیگر نقاط دنیا توسط آمریکا و متحدان آن نیز بهتر است چیزی نگوییم.

گزارش

تداوم سیاست‌های اشتباه انگلیس

رهبر بعدی حزب محافظه‌کار همان سیاست‌های جانسون را دنبال خواهد کرد

خبرها مبنی بر این‌که پایان نخست‌وزیری شوم بوریس جانسون نزدیک است، باعث تسکین و خوشحالی شده و این خوشحالی کاملا قابل درک است.

اما کسانی که انتظار تغییر دارند نباید چندان خوشحال باشند، چرا که خبرها در این زمینه اصلا خوب نیست و رهبر بعدی حزب محافظه‌کار تقریبا به طور قطع همان سیاست‌های جانسون را دنبال خواهد کرد.

در مورد برگزیت، آزادی‌های مدنی، قوانین حقوق بشر و در بسیاری زمینه‌های دیگر شاهد همان ناسیونالیسم انگلیسی و پوپولیسم پیش پاافتاده و شرورانه خواهیم بود.

باید به این نکته توجه داشت که جانسون به دلیل سیاست‌هایش سرنگون نشد. سیاست‌های جانسون میان اعضای محافظه‌کار محبوب بودند و بسیاری از آنها فکر می‌کردند او حتی به اندازه کافی در پیگیری این سیاست‌ها جدی نیست.

او به خاطر حرص و طمع، تهمت، سوءاستفاده از قدرت و اقدامات فریبکارانه‌اش سرنگون شد و کار به جایی رسید که حتی پرشورترین محافظه‌کاران حامی برگزیت هم نتوانستند به حمایت خود از او ادامه دهند.



چه کسی جایگزین جانسون می‌شود؟

سیاستمداران محافظه‌کار نظر خود را در مورد سیاست‌های کلی تغییر نداده‌اند و این چیزی است که به محض پایان انتخابات رهبری محافظه‌کاران و تعیین نخست‌وزیر آینده انگلیس در روزهای آینده مشاهده خواهیم کرد. در این انتخابات مشخص می‌شود چه کسی نخست‌وزیر آینده انگلیس خواهد شد.

این سیستم به این صورت عمل می‌کند که نمایندگان حزب محافظه‌کار پس از چند دور رای‌گیری، نامزدهای نخست‌وزیری را به دو نفر محدود می‌کنند و آن نامزدها سپس پرونده خود را در برابر اعضای محافظه‌کار در سراسر کشور به رای می‌گذارند.

این سیستمی است که بوریس جانسون را سه سال پیش در تابستان ۲۰۱۹ نخست‌وزیر کرد و جانشین او نیز تا چند روز دیگر با همین سیستم انتخاب می‌شود. این یعنی ما می‌توانیم انتظار برنده‌ای مشابه جانسون داشته باشیم: سیاستمداری که قصد رویارویی با اروپا را دارد، مقابل مهاجرت می‌ایستد، به حاکمیت قانون حمله، قانون حقوق بشر را پاره می‌کند و پروتکل ایرلند شمالی را زیر پا می‌گذارد.

به عبارت دیگر، رهبر بعدی حزب محافظه‌کار، درست مانند بوریس جانسون، علیه اصول اساسی لیبرال دموکراسی خواهد جنگید.

اعضای محافظه‌کار انتخاب خواهند کرد

باید توجه داشت اعضای حزب محافظه‌کار به ۲۰۰ هزار نفر نمی‌رسد. آنها معمولا مسن، سفیدپوست و دشمن اتحادیه اروپا و از اعضای سابق حزب راستگرای استقلال انگلیس (UKIP) هستند که قبلاً توسط نایجل فاراژ رهبری می‌شد. جای تعجب نیست که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد تعداد زیادی از آنها متعصب هستند.

تمام نامزدهایی که در این دوره برای ریاست رهبری حزب محافظه‌کار به رقابت پرداختند و دو نامزدی که به رقابت پایانی راه یافتند، همگی در کابینه جانسون خدمت می‌کردند. آنها از سیاست‌های او حمایت و در بسیاری از موارد دروغ‌های او را تکرار کردند

نظرسنجی انجام شده توسط YouGov (که توسط ناظم زهاوی، نماینده محافظه‌کار پارلمان انگلیس راه‌اندازی شد) نشان داد دوسوم اعضای حزب محافظه‌کار معتقد به تئوری مضر توطئه هستند، مبنی بر این‌که بخش‌هایی از انگلیس تحت قوانین شریعت اداره می‌شود و ۴۵ درصد فکر می‌کنند برخی از مناطق انگلیس برای آنها خطرناک است.

این جمعیت کوچک کمتر از نیمی از یک درصد جمعیت بریتانیا را تشکیل می‌دهد. با این حال، آنها در نهایت رهبر بعدی محافظه‌کاران را انتخاب خواهند کرد. به همین دلیل باید گفت اظهارات میشل بارنیه - مذاکره‌کننده اتحادیه اروپا در مورد برگزیت - بسیار خوشبینانه و غیرواقع‌بینانه بود که گفت خروج بوریس جانسون صفحه جدیدی را در روابط بریتانیا با اروپا باز می‌کند. این مسأله درباره مایکل هسلتاین، سیاستمدار باسابقه انگلیسی نیز صدق می‌کند که پیش‌بینی کرد پایان جانسون به معنای پایان برگزیت است. زیرا همه شواهد موجود نشان می‌دهد هر کسی که طرفدار رابطه نزدیک‌تر با اروپا باشد، شانس ناچیزی برای برنده شدن رهبری محافظه‌کاران دارد.

رأی میلیاردرها

بوریس جانسون به لطف حمایت دو گروه قدرتمند و متحد، قدرت خود را حفظ کرد. اول، میلیاردرهای محافظه‌کار که در اقدامی مخالف با تمام ارزش‌های دموکراسی، حزب محافظه‌کار را با کمک‌های مالی خود کنترل می‌کنند.

دوم، صاحبان بزرگ روزنامه روپرت مرداک، لرد روترمرو خانواده بارکلی. همه آنها سه سال پیش از جانسون برای رهبری حزب محافظه‌کار حمایت کردند و حمایت آنها در انتخابات عمومی ۲۰۱۹ نیز ادامه یافت.

به استثنای تایمز متعلق به مرداک که در آخرین لحظات انتقاداتی از جانسون مطرح کرد سایر رسانه‌های حامی او همچنان به حمایت از او ادامه می‌دهند.

این رویدادهای غیردموکراتیک همچنان ادامه دارد و مطبوعات جریان اصلی در اتحاد با حامیان میلیاردر به‌دنبال انتخاب جانشین جانسون هستند.

انگلیس به یک سیاستمدار شجاع نیاز دارد تا از خواسته‌های این اتحاد شوم سرپیچی کند اما تجربه نشان داده هر سیاستمداری به این سمت حرکت کرده شکست خورده است.

این نکته را نیز باید توجه داشت که تمام نامزدهایی که در این دوره برای ریاست رهبری حزب محافظه‌کار به رقابت پرداختند و دو نامزدی که به رقابت پایانی راه یافتند، همگی در کابینه جانسون خدمت می‌کردند. آنها از سیاست‌های او حمایت و در بسیاری از موارد دروغ‌های او را تکرار کردند. به عنوان مثال در آخرین روزهای دولت جانسون بود که ساجد جاوید در نامه استعفای خود به نخست‌وزیر تاکید کرد مردم بریتانیا از دولت انتظار صداقت دارند.

آیا واقعا سه سال طول کشید تا جاوید متوجه شود جانسون یک دروغگوی بزرگ است و همیشه واقعیت‌ها را وارونه جلوه می‌دهد؟ و فراموش نکنیم جاوید حتی به‌عنوان وزیر بهداشت چگونه ادعای دروغین بوریس جانسون مبنی بر ساخت ۴۸ بیمارستان جدید را تکرار کرد و این ادعا اکنون توسط اداره حسابرسی ملی انگلیس تحت بررسی است. همین امر در مورد هر کسی که در کابینه جانسون خدمت کرده، صدق می‌کند بنابراین فردی که تا چند روز دیگر به نخست‌وزیری انگلیس انتخاب می‌شود، نمی‌تواند میراث او را انکار کند. بریتانیا تا چند روز دیگر چهره جدیدی در داونینگ استریت خواهد داشت اما پروژه‌های جانسون قطعا به همان شکل ادامه خواهد داشت.

منبع: میدل ایست آی

یادداشت

مقصر وضعیت امروز افغانستان

حسین نیکپور
گروه بین‌الملل

یک سال پس از سقوط کابل به‌دست طالبان و شکست آمریکا و متحدانش، فضا در آمریکا همچنان دو قطبی است و دو حزب مطرح آمریکا یکدیگر را مقصر این شکست و افتضاح تاریخی معرفی می‌کنند.

در ماه جاری، جمهوریخواهان مجلس نمایندگان آمریکا گزارشی با عنوان شکست راهبردی منتشر کردند که به تصمیم سال گذشته دولت بایدن برای خروج نیروهای آمریکایی باقی‌مانده از افغانستان و خروج آشفته نیروهای ناتو از افغانستان می‌پرداخت. کاخ سفید این گزارش را «حزبی» و عوام فریبانه خواند و محکوم کرد. شورای امنیت ملی آمریکا هم یادداشتی در دفاع از اقدامات دولت منتشر کرد.

این فضای دو قطبی در آمریکا ادامه‌دار خواهد بود به‌ویژه این‌که پیش‌بینی می‌شود جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای نوامبر، کنترل یک یا هر دو مجلس کنگره را در دست بگیرند. حتی برخی تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند همچون حوادث بنغازی لیبی -که یک هیات برای تحقیقات از وزارت خارجه آمریکا تشکیل شد - در ماجرای خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان نیز یک هیات تحقیق تشکیل شود که این اتفاق می‌تواند برای دموکرات‌ها خبر ناگواری باشد.

با این حال پیدا کردن مقصر در ماجرای شکست آمریکا در افغانستان یک موضوع داخلی در آمریکاست که بیشتر به درد تسویه حساب‌های داخلی دو حزب دموکرات و جمهوریخواه می‌خورد اما هیچ‌یک از اینها دردی از مردم افغانستان دوا نمی‌کند؛ مردمی که بسیاری از آنها یک سال پس از خروج خفت‌بار سربازان آمریکایی با بحران‌های ناشی از ۲۰ سال حضور اشغالگرانه واشنگتن و متحدانش در افغانستان دست و پنجه نرم می‌کنند. بر اساس گزارش ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در افغانستان، حدود نیمی از جمعیت افغانستان برای تامین غذا با مشکل مواجه هستند و نرخ فقر در افغانستان تا پایان سال ۲۰۲۲ ممکن است به ۹۷ درصد برسد.

با وجود این مشکلات، مردم افغانستان که نتیجه مستقیم اشغالگری آمریکاست نه تنها این کشور در قبال رنج مردم افغانستان پاسخگو نیست و اقدامی در این زمینه انجام نمی‌دهد بلکه دولت بایدن هفت میلیارد دلار از ذخایر ارزی افغانستان را در ایالات متحده مسدود کرده و وکلای مدافع خانواده‌های قربانیان ۱۱ سپتامبر از قاضی خواستند تا این مبلغ را به‌عنوان غرامت برای موکلان خود بپردازند. جو بایدن چند ماه قبل دستوری اجرایی صادر کرد که در آن ۳/۵ میلیارد دلار به‌عنوان غرامت بالقوه برای خانواده‌های ۱۱ سپتامبر اختصاص داد و بقیه را نیز برای آینده احتمالی در نظر گرفت.

آمریکا فارغ از این‌که چه حزبی، کاخ سفید را در اختیار داشته باشد قطعا مقصر بخش عمده‌ای از مشکلاتی است که مردم افغانستان این روزها با آن روبه‌رو هستند و در پیشگاه افکار عمومی بین‌المللی باید در قبال رنجی که این روزها مردم افغانستان تحمل می‌کنند، پاسخگو باشد و برای کاهش این رنج اقدام کند و بداند که نمی‌توان مشکلات انباشته شده را در افغانستان با تبلیغات، به‌عهده حکومت یک‌ساله طالبان انداخت. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که تداوم مشکلات در افغانستان و افزایش مهاجرت از این کشور به سمت اروپا می‌تواند در آینده دامنگیر این کشورها شود. رشد تروریسم در فضای بحران‌زده افغانستان نیز از دیگر مشکلاتی است که در صورت ادامه وضعیت فعلی در این کشور در آینده مشکل‌زا خواهد شد.

خبر کوتاه

محبوبیت بالای سندرز در نظرسنجی‌ها

پایگاه خبری کنگره آمریکا با انتشار نتایج یک نظرسنجی، نوشت: نتایج حاصل از نظرسنجی جدید نشان می‌دهد که برنی سندرز، سناتور مستقل از ایالت ورمونت آمریکا در فهرستی از ۲۳ نامزد احتمالی ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴، از بالاترین میزان محبوبیت در میان رای‌دهندگان برخوردار است.

در گزارش تارنمای هیل آمده است: نظرسنجی «یو اس ای تودی» و موسسه اپسوس نشان می‌دهد که ۴۶ درصد از رای‌دهندگان شرکت‌کننده در این نظرسنجی دست‌کم دیدگاه مثبتی نسبت به سندرز دارند و ۴۱ درصد گفته‌اند نظرآنها نسبت به این سناتور منفی است.

نتایج این نظرسنجی بیانگر آن است که جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا از نظر میزان محبوبیت نزد رای‌دهندگان این کشور با کسب ۴۳ درصد نظر موافق مردم در رتبه دوم قرار دارد. با این حال نداشتن مقبولیت او بسیار بالاتر از سندرز است به‌طوری‌که ۵۲ درصد آمریکایی‌های شرکت‌کننده در این نظرسنجی گفتند نگاه مثبتی به بایدن ندارند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا نیز در سطح مشابه بایدن از نداشتن مقبولیت از نظر آمریکایی‌ها مواجه است. کامالا هریس، معاون بایدن و مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز از نظر میزان محبوبیت با کسب ۴۰ درصد آرای پاسخ‌دهندگان در رتبه‌های سوم و چهارم بین نامزدهای احتمالی قرار گرفتند.